



مواجهه ترامپ با زلنسکی چگونه به یک رویداد نمادین در روابط بین الملل تبدیل شد؟

شوک آخر فوریه در کاخ سفید

آمریکا

امیر فرشپاش

گروه بین الملل

دیدار جنجالی ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین با دونالد ترامپ در کاخ سفید را نمی‌توان صرفاً یک دیدار رسمی دیپلماتیک میان دو مقام ارشد دو کشور تحلیل کرد؛ هم متن و هم فرامتن این رویداد، متضمن پرسش و چالش‌هایی بسیار بنیادی‌تر از صرف یک توافق بر سر معادن فلزات کمیاب اوکراین و مذاکرات پایان جنگ میان کی‌یف و مسکو بود. اتفاق ترازیک ۲۸ فوریه در «دفتر بیضی» نمادی از تغییر در نظم بین‌الملل

بود که به همان میزان که برای بخشی از جهان خوشایند بود، پرسش‌های دلهره‌آوری را برای بخش‌های دیگری به دنبال داشت؛ سرنوشت اتحاد فراترآتلانتیکی میان اروپا و آمریکا چه می‌شود؟ امنیت، کلیت و وحدت اروپا با رویکرد جدید ایالات متحده به پیمان‌های امنیتی و اقتصادی با اروپا به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ آیا نظام بین‌الملل به رهبر جدید نیاز دارد یا عصر قدرت‌های متکثر فرا رسیده است؟



عکس: Getty Images

«دوبید سنگر» تحلیلگر ارشد «نیویورک تایمز» در مقاله‌ای برای این روزنامه نوشت: مواجهه انفجاری ترامپ با زلنسکی در دفتر بیضی، نشان‌دهنده عزم او برای کنار گذاشتن اتحادها به نفع مذاکرات قدرت‌های بزرگ است. پس از پنج هفته که در آن ترامپ اراده خود برای کنار گذاشتن منابع سنتی قدرت آمریکا از جمله اتحادها با متحدان آمریکا را هم‌فکر و بازگرداندن ایالات متحده به دوران مذاکرات بی‌پرده قدرت‌های بزرگ را نشان داد، یک سؤال را همچنان بی‌پاسخ گذاشت: واشنگتن در قربانی کردن اوکراین برای رسیدن به چشم‌انداز ترامپ تا کجا پیش خواهد رفت؟

صحنه قابل توجهی که اوایل بعد از ظهر جمعه از دفتر بیضی و در مقابل دوربین‌ها به نمایش درآمد، پاسخی برای این پرسش بود. در حالی که ترامپ، ولودیمیر زلنسکی را مورد توبیخ قرار داد و به او هشدار داد که «تو کارت‌های لازم» برای معامله با رئیس جمهوری روسیه را نداری، و در حالی که معاونش، جی‌دی ونس، رئیس جمهوری اوکراین را به دلیل «بی‌احترامی و فداکاری» سرزنش می‌کرد، مشخص شد که شراکت نظامی روسیه بین واشنگتن و کی‌یف از بین رفته است.

سیاست خارجی تجدید نظرطلبانه ترامپ

«سنگر» می‌افزاید، مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا که زمانی مدافع اوکراین و حامی‌ت‌رزی ارضی آن بود، اکنون به بازی‌های قدرت ترامپ روی آورده است. او در مصاحبه‌ای تصریح کرد که «زمان آن فرا رسیده است که برای ایجاد یک رابطه مثلی بین ایالات متحده، روسیه و چین، از جنگ فراتر برویم... ما با روس‌ها اختلافاتی خواهیم داشت، اما باید با هر دو رابطه داشته باشیم.»

ترامپ این دیدگاه خود را پنهان نمی‌کند که نظام پس از جنگ جهانی دوم که توسط واشنگتن ایجاد شد، قدرت آمریکا را از بین برده است. مهم‌تر از همه اینکه این نظام به روابط با متحدانی که متعهد به سرمایه‌داری دموکراتیک بودند، ارجح می‌نهاد. به نظر ترامپ، چنین سیستمی به کشورهای کوچک‌تر و کم‌قدرت‌تر اهرم فشاری علیه ایالات متحده می‌دهد و آمریکایی‌ها را مجبور می‌کند سهم زیادی از هزینه‌های دفاع از متحدان و ارتقای رفاه آنها را بپردازند. در حالی که اسلاف او - هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان - اصرار داشتند که اتحادها در اروپا و آسیای بزرگ‌ترین نیروی مضاعف آمریکا هستند که صلح را حفظ می‌کنند و به تجارت اجازه شکوفایی می‌دهند. اما اوکراین همیشه موضوع پیچیده‌تری بود.

تنها ۲۶ ماه پیش، زلنسکی در واشنگتن به عنوان یک «مبارز برای دموکراسی» مورد تجلیل قرار گرفت، به جلسه مشترک کنفره دعوت شد و توسط دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به دلیل «ایستادگی» مورد تشویق قرار گرفت. ترامپ و ونس ماه‌ها بود که نشان داده بودند به نظر آنها تعهد آمریکا به حاکمیت اوکراین به پایان رسیده است. سه هفته پیش، ترامپ به یک مصاحبه‌کننده گفت

که اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

البته تکرار شعار مورد علاقه ترامپ و منجر شدن اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

البته تکرار شعار مورد علاقه ترامپ و منجر شدن اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

البته تکرار شعار مورد علاقه ترامپ و منجر شدن اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

البته تکرار شعار مورد علاقه ترامپ و منجر شدن اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

البته تکرار شعار مورد علاقه ترامپ و منجر شدن اوکراین به عنوان یک جمهوری مستقل از ضروری سابق که روابط نزدیکی با اروپای غربی برقرار کرده و به دنبال پیوستن به ناتو است، ممکن است روزی روسی شود. به نظر می‌رسد دیگر خبری از صحبت‌های دوران بایدن مبنی بر همراهی با اوکراین «تا هر زمان که لازم باشد» با هدف پیشگیری از وسوسه مسکو برای پیشبرد جنگ به سمت غرب، نبود.

از قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا برای دستیابی به توافق استفاده می‌کند. شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد این رویکرد به تنهایی کارساز است، اما با قضاوت بر اساس نمایش روز جمعه در دفتر بیضی، به نظر می‌رسد ترامپ متقاعد شده است تا زمانی که او فرمان را در دست دارد، جهان طبق دستور او نظم خواهد یافت.

جهان آزاد به رهبر جدیدی نیاز دارد

واکنش رهبران اروپایی به رویداد روز جمعه نیز فراتر از صرف دلجویی و حمایت از زلنسکی و تقبیح ترامپ بود. پس از دیدار مذکور، یکی از انگاره‌هایی که در اظهارات مقامات بروکسل مشهود بود، ضرورت تغییر رهبری جهانی بود.

«کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرد: «امروز مشخص شد که جهان آزاد به رهبر جدیدی نیاز دارد. این وظیفه ما اروپایی‌ها است که این چالش را بپذیریم.»

به گزارش گاردین، اگرچه رهبران اروپایی عموماً نامی از رئیس جمهوری آمریکا نبردند، اما اظهارات آنها در اواخر روز جمعه، شکاف عمیق بین ایالات متحده و متحدان سنتی خود در اروپا بر سر جنگ در اوکراین را آشکار کرد. «کایا کالاس»، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور سیاست خارجی و امنیتی، در یک پست در رسانه‌های اجتماعی نوشت: «اوکراین اروپا است! ما در کنار اوکراین ایستاده‌ایم. ما حمایت خود را از اوکراین افزایش خواهیم داد تا آنها بتوانند به مبارزه خود ادامه دهند.»

اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا نیز خطاب به زلنسکی نوشت: «قوی، شجاع و بی‌باک باشید؛ شما هرگز تنها نیستید... ما به همکاری با شما برای صلح عادلانه و پایدار ادامه خواهیم داد.»

رهبران اروپایی پیش از این نیز از سخنرانی ونس در کنفرانس امنیتی مونیخ در دو هفته پیش که در آن درباره وضعیت دموکراسی خود به آنها درس داد، شوکه شده بودند.

اروپا نگران امنیت و یکپارچگی

نگرانی‌ها در اروپا بعد از دیدار زلنسکی با ترامپ تشدید شده است و یک طیف از رهبران اروپایی معتقدند که امنیت و وحدت اروپا با حمایت قاطع از کی‌یف امکان‌پذیر است و برخی دیگر می‌گویند نباید اروپا با درگیری با واشنگتن، امنیت و وحدتش را بر سر اوکراین قمار کند. «پالیتیکو» در گزارشی نوشت: «در هفته‌های گذشته، اروپا خود را برای یک اختلاف بزرگ با واشنگتن بر سر رفتار تقییرآمیز ترامپ با اوکراین و رهبر آن آماده کرده است. اروپایی‌ها در برابر همسویی فزاینده کاخ سفید با کرملین و زورگویی ترامپ به زلنسکی، در موقعیت تاریخی‌ای که ممکن است به یک نقطه عطف مهم در اتحاد آمریکا و اروپا پس از جنگ تبدیل شود، مقاومت می‌کنند.»

در حالی که رهبران اروپایی برای یک توافق جامع تلاش می‌کنند که در آن ایالات متحده ضمانت‌های امنیتی پس از جنگ را ارائه دهد، ترامپ در برابر چنین پیشنهادهایی مقاومت کرده و تلاش‌های خود را بر این متمرکز کرده است که می‌تواند اوکراین - و نه روسیه - را مجبور کند تا از طریق توافقی بر سر مواد خام حیاتی، کمک‌های آمریکا را بازپرداخت کند.

ترامپ با برجسته کردن برتری پوتین بر زلنسکی، رهبر اوکراین را «دیکتاتور» خواند، در حالی که از رهبر روسیه به عنوان فردی قابل اعتماد استقبال کرد. ترامپ همچنین مواضع کرملین را مبنی بر اینکه کی‌یف نباید به ناتو بپیوندد و باید سرزمین‌های مورد تهاجم را واگذار کند، تأیید کرد.



ترامپ این دیدگاه خود را پنهان نمی‌کند که نظم بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم که توسط واشنگتن ایجاد شد، قدرت آمریکا را از بین برده است. مهم‌تر از همه اینکه این نظام به روابط با متحدانی که متعهد به سرمایه‌داری دموکراتیک بودند، ارجح می‌نهاد.

کردن نظم جهانی موجود بسیار آسان‌تر از ایجاد یک نظم جدید است. ده‌ها سال طول کشید تا قوانین تعامل جهانی پس از جنگ جهانی دوم وضع و تدوین شود و این سیستم با تمام نقص‌هایش در اهداف اصلی خود، یعنی جلوگیری از جنگ قدرت‌های بزرگ و تشویق وابستگی متقابل اقتصادی موفق باشد. ترامپ هرگز به تفصیل بیان نکرده است که چه چیزی را جایگزین این قوانین می‌کند، جز اینکه

کردن نظم جهانی موجود بسیار آسان‌تر از ایجاد یک نظم جدید است. ده‌ها سال طول کشید تا قوانین تعامل جهانی پس از جنگ جهانی دوم وضع و تدوین شود و این سیستم با تمام نقص‌هایش در اهداف اصلی خود، یعنی جلوگیری از جنگ قدرت‌های بزرگ و تشویق وابستگی متقابل اقتصادی موفق باشد. ترامپ هرگز به تفصیل بیان نکرده است که چه چیزی را جایگزین این قوانین می‌کند، جز اینکه



اروپایی را با اعلام این موضوع در سخنرانی خود در مونیخ شوکه کرد که آنها باید به «انزوای احزاب راست رادیکال در سراسر قاره پایان دهند؛ او گفت، آلمانی‌ها دیگر نباید از همکاری با یک حزب راست رادیکال که اغلب از شعارهای ممنوعه نازی‌ها لذت می‌برد و در نتیجه از دولت طرد شده است، خودداری کنند. تقریباً دو هفته پس از مراسم تحلیف ترامپ، ونس به چندین حکم دادگاه، علیه دستورات اجرایی رئیس جمهوری به ارائه بیانیه‌ای گسترده واکنش نشان داد. او در پلتفرم X نوشت: «اگر قاضی سعی کند به یک ژنرال بگوید چگونه یک عملیات نظامی را انجام دهد، این غیرقانونی است. اگر قاضی سعی کند به دادستان کل دستور دهد که چگونه از اختیارات خود به عنوان دادستان استفاده کند، این نیز غیرقانونی است.»

آن بیانیه نیز تبدیل به تیتراصلی خبرها شد. منتقدان گفتند، ونس اختیاراتی را برای ریاست جمهوری می‌خواهد که فراتر از محدودیت‌های تحمیل شده توسط قانون اساسی است. ماده سوم قانون اساسی به دادگاه‌ها این اختیار را می‌دهد که بر اقدامات شاخه‌های اجرایی و قانونگذاری دولت نظارت قضایی اعمال کنند. با این حال، ونس زمانی نسبت به ترامپ و دستورکار او بی‌اعتنا بود و حتی در سال ۲۰۱۶، او را «احمق» خواند و نسبت به لفاظی‌های خطرناک او هشدار داد. اکنون اما آن دیدگاه از بین رفته است. هنگامی که او در سال ۲۰۲۴ معاون ترامپ شد، یک سرپاز وظیفه‌شناس در مسیر مبارزات انتخاباتی بود.

بدون روتوش



محمد محسن فایزی
کارشناس مسائل فلسطین

۷ نکته از گزارش کمیته تحقیق ارتش عبری برای ۷ اکتبر

ستادکل ارتش رژیم صهیونیستی بعد چند ماه جنجال اولین گزارش از کمیته تحقیق ۷ اکتبر را منتشر کرد. بحث‌های زیادی بین نتانیاهاو، کالات، گانتز و دیگر شخصیت‌های رژیم در ماه‌های اخیر حول این کمیته در جریان بود. این گزارش پیامدها و نکاتی دارد که با هم مرور می‌کنیم:

بدون هماهنگی نتانیاهاو

یکی از حاشیه‌های این گزارش، واکنش نتانیاهاو بود. او این اقدام را اشتباه و در زمان نادرست دانست. همچنین دفتر نخست‌وزیری اسرائیل، با ارسال نامه‌ای گلاپی‌آمیز به ارتش، از انتشار گزارش پیش از ارسال به دفتر نخست‌وزیری، ابراز نارضندی کرد و خواستار تحویل فوری گزارش کامل به نخست‌وزیر شد. این اقدام ارتش گمانه زنی‌هایی را در خصوص سیاسی بودن این اقدام برجسته کرده است. نتانیاهاو، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون تشکیل کمیته حقیقت‌یاب ۷ اکتبر را به تعویق انداخته بود و دلیل آن را علاوه بر در جنگ بودن، نیت سیاسی مخالفانش عنوان می‌کرد. اما از سوی دیگر مخالفان نتانیاهاو در سپهر سیاسی و نظامی بارها خواهان تشکیل و ارائه گزارش‌های کمیته ۷ اکتبر برای مشخص شدن سهم‌ها در این اتفاق و عدم تکرار اشتباه شده بودند و تأخیر را فرار نتانیاهاو از پذیرش شکست می‌دانستند.

گزارش اولیه و تنها برای بررسی ۱۷ اکتبر

یک نکته دیگر این گزارش این است که گزارش تحت عنوان گزارش اولیه و جزئی و تنها گزارشی از ۷ اکتبر است. این گزارش به معنی این است که کمیته یک هدف اولیه داشته است و آن باز کردن باب ادامه گزارش‌ها و بررسی تحولات بیشتر است. ذکر کردن کلمه اولیه، برای رهایی از فشارهای سیاسی و حقوقی است.

تحلیل اشتباه، دلیل غافلگیری در ۷ اکتبر

یکی از بخش‌های پررنگ گزارش کمیته ارتش، برجسته شدن این نگاه است که دلیل غافلگیری بزرگ در ۷ اکتبر، تصورات و تحلیل‌های غلط امنیتی و سیاسی نسبت به حماس است. در این گزارش آمده است: «سال‌ها نظریه امنیتی نسبت به غزه، بر اساس یک فرضیه مرکزی استوار شد که حماس یک بازیگر عقلانی است که «مروعب شده و به دنبال توافق است. حتی پس از به قدرت رسیدن سنوار در سال ۲۰۱۷، شاخه تحقیقاتی سازمان اطلاعات نظامی (امان)، حماس را همچنان به عنوان یک «جنبش واقع‌گرایانه» توصیف می‌کرد که قصد داشت امنیت و ثبات غزه را برای توسعه عمرانی حفظ کند. با این حال، تحقیقات ارتش نشان می‌دهد که این برداشت، اشتباه بوده و «نظامی از تصورات غلط در طول سال‌ها» وجود داشته است.»

برنامه‌ریزی از سال ۲۰۱۴

یکی از نکات جالب دیگر گزارش کمیته ارتش اسرائیل، ادعاهایی نسبت به رفتار حماس پیش از طوفان الاقصی است. ادعاهایی که مدعی شده است حماس سال‌ها در حال آماده‌سازی و رزمایش‌های شبیه‌سازی است. در گزارش آمده است: «بعد از جنگ ۲۰۱۴، حماس یک مرکز فرماندهی نظامی به نام ستاد عملیات به ریاست رائد سعد تشکیل داد. تحت فرماندهی او، حماس شروع به برنامه‌ریزی برای پروژه بزرگ خود کرد؛ برنامه‌ای برای یک حمله گسترده به اسرائیل که حملات زمینی هزاران جنگجو را شامل می‌شد. تمام این تحولات زمانی رخ داد که شاخه تحقیقاتی سازمان امان همچنان اعتقاد داشت که فعالیت‌های حماس متمرکز بر ساخت تونل‌های زیرزمینی است.»

فریب در روز ۷ اکتبر

یکی دیگر از مباحث بررسی شده در این گزارش فریب خوردن امنیتی اسرائیلی‌هاست. چرا برخی اقدامات در روز ۶ اکتبر و در صبح ۷ اکتبر، منجر به حساسیت‌های اطلاعاتی نشده است؟ برخی از این اقدامات حماس عبارت‌اند از: تکرار چند رزمایش در مرزها، فعال کردن سیم کارت‌های عبری مورد نیاز برای استفاده در آن سوی مرز پس از حمله دو بار پیش از ۷ اکتبر و همچنین اقدامات سیاسی حماس در مذاکرات در ماه‌های قبل ۷ اکتبر.

تصویر اشتباهی از انتشار گزارش می‌نویسد: «به طور قاطع می‌توان گفت که از سال ۲۰۲۱، نوار غزه به یک حفره اطلاعاتی برای اسرائیل تبدیل شده بود. در واقع ما هیچ چیز نمی‌دانستیم. حماس یکی از مؤثرترین عملیات فریبکاری را انجام داده است، چیزی که بسیاری از سازمان‌های اطلاعاتی جهان عمیقاً یاد خواهند گرفت. اسرائیل یک چیز را دید، در حالی که مخفی در غزه عنوان شده است. هرچند در مورد این سیستم چیزی مطرح نشده اما پیش از این رسانه‌های عبری از شکست سیستم امنیتی در بهره‌گیری از جاسوس‌ها خبر داده بودند. جاسوس‌ها یا رده بالا نبودند یا خودشان مسیری هوشمند از سوی حماس برای فریب بودند.»

دشمن را نمی‌توان مدیریت کرد!

بخشی از گزارش به مجموعه توصیه‌های اولیه برای عدم تکرار ۷ اکتبر اختصاص یافته است. یکی از توصیه‌های جالب توجه این است: نمی‌توان درگیری را با دشمنی که قصد نابودی‌ات را دارد، مدیریت کرد! نباید آرامش را به بهای مشکلات بزرگ‌تر در آینده خرید.